

درآمدی بر گستره، روش‌ها و مهارت‌های مطالعات کلامی

مسلم گریوانی
عضو حلقه علمی کلام

چکیده: تصور آغازین از کلام این است که دانش کلام صرفاً به مباحث استدلالی در حوزه الهیات و در قلمرو مسئله‌های گذشته و با محوریت اصول دین انجام می‌گیرد. این مقاله در پی این است که ذهنیت مخاطبان علاقمند به کلام را تغییر دهد. دانش کلام در مسئله‌های کهن الهیات خودی و غیر خودی محصور نمی‌شود، بلکه عرصه‌های کلام تطبیقی و مقارن میان ادیان و مذاهب و مباحث نوین کلامی را نیز در بر می‌گیرد. به تعبیری دانش کلام، علاوه بر حوزه «دانش» در حوزه‌های «روش» و «توانش» نیز پا گذاشته است و این مقاله به ترسیم نمایی کلی از این مسائل می‌پردازد.

همچنین پرداختن به دانش کلام و بررسی همه جانبه مسائل آن همچون دانش‌های دیگر مستلزم آشنایی با روش‌ها و برخورداری از مهارت‌های ویژه در عرصه کشف مسائل جدید و پاسخ‌گویی به آنهاست. این روش‌ها در دانش کلام به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ روش‌های استخراج، روش‌های تنظیم و تبویب و روش‌های توصیف و تبیین معارف کلامی. مهارت‌ها نیز در دو عنوان جای می‌گیرند؛ مهارت نقد که شامل بخش‌هایی مانند اصول و فنون نقد و کیفیت نقد یک دیدگاه است و مهارت دفع شبهات. در نوشتار حاضر برای هر کدام از روش‌ها و مهارت‌های یاد شده توضیحات و نمونه‌هایی آورده شده است. **واژگان کلیدی:** علم کلام، کلام جدید، کلام تطبیقی، روش‌شناسی، فلسفه دین، الهیات.

چیستی دانش کلام

«ساختار دانش کلام» و «دامنهٔ مباحث کلامی» از جمله مسائل مطرح در دانش فلسفه کلام هستند که به کمک آن‌ها مسئله‌های کلامی مرزبندی می‌شود و هندسهٔ مباحث کلامی و رابطه‌های آن‌ها تعیین می‌شود. رابطهٔ کلام با سایر علوم اسلامی نیز از جمله مباحث دیگر فلسفهٔ دانش کلام، است. نمودار ذیل جایگاه این مسائل را نشان می‌دهد:

«فلسفهٔ علوم» ← «فلسفهٔ علم کلام» ← «مسئله قلمرو دانش کلام»

در این فرایند، تصویری شبکه‌ای از دانش کلام شکل می‌گیرد که در آن علاوه بر مشخص شدن دامنهٔ دانش کلام، گونهٔ آغاز و انجام مباحث کلامی و رابطهٔ مسائل کلامی با یکدیگر و با سایر علوم معین می‌گردد.

تصور درست از دانش کلام، به شناسایی قلمروی مسائل آن کمک شایانی می‌کند، لذا چند تعریف را به اختصار بیان می‌داریم:

محقق لاهیجی و قاضی عضدالدین ایجی (م ۷۵۶ هـ.ق) در تعریف کلام چنین گفته‌اند: الکلام علم صناعة یقتدر معه اثبات العقاید الدینیة ما یراد الحجج و دفع الشبهة^۱.

تعریف سعدالدین تفتازانی (م ۷۹۳ هـ.ق) نیز چنین است: الکلام هو العلم بالعقاید الدینیة عن الادله الیقینیة^۲.

شیخ صدوق (م ۳۸۱) و شیخ مفید (م ۴۱۳) هم کلام را این‌گونه تعریف کرده‌اند: کلام دانش یا مهارتی است که از طریق کتاب و سنت (صدوق) یا استدلال و برهان و جدال به رد و ابطال عقاید باطل می‌پردازد^۳.

پیداست که متکلمان پیشین، کلام را دانشی با هویت دفاعی و هجومی معرفی می‌کردند که دو وظیفه مهم «اثبات» و «ابطال» را بر عهده دارد. اما پس از گذشت قرن‌ها کلام قلمرویی فراخ یافته است. این مهم را می‌توان از سخنان متکلمان معاصر دریافت.

شهید مطهری در تعریف کلام می‌گوید: علمی که درباره عقاید اسلامی بحث

۱. عبدالرحمن ایجی، شرح المواقف، ج ۱، ص ۲۴؛ میرزا عبد الرزاق بن علی بن حسین لاهیجی (معروف به فیاض)، شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام، ج ۱، ص ۳ و ۵.

۲. مسعود بن عمر بن عبدالله مشهور به سعد الدین تفتازانی، شرح المقاصد (عالم الکتب بیروت)، ج ۱، ص ۱۶۳.

۳. اعتقادات، ترجمه حسنی، ص ۴۵؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ترجمه آرام، ص ۹.

می‌کند، یعنی آن‌ها را توضیح می‌دهد، درباره آن‌ها استدلال کرده و از آن‌ها دفاع می‌کند.^۱ وی در این تعریف علاوه بر مشخصه اثبات و دفاع و ابطال، ویژگی دیگری برای کلام برشمرده که آن تبیین عقاید دینی است. استاد مطهری در فرازی دیگر، بعد روش‌شناسی را هم برای کلام در نظر می‌گیرد.^۲

مصطفی ملکیان نیز در تعریف کلام می‌گوید: علمی که در آن کوشش روشمندان‌های برای تفسیر و توجیه گزاره‌های موجود در متون مقدس یک دین و مذهب خاص صورت می‌گیرد و پیش‌فرض‌ها و لوازم منطقی آن گزاره‌ها به طور منظومه‌وار ارائه می‌گردد.^۳

در این تعریف که رویکردی کلان و شمول‌گرا نسبت به تمام ادیان و مذاهب دارد، کارکردهای جدیدی برای کلام در نظر گرفته شده است از جمله: تفسیر و موجه‌سازی گزاره‌های دینی و ارائه گزاره‌ها به شکل نظاممند و منظومه‌وار. برخی از صاحب نظران عرصه دین‌پژوهی با محور قرار دادن رسالت متکلم، کلام را چنین تعریف کرده‌اند: کلام دانشی است که به استنباط، تنظیم، تبیین و اثبات عقاید دینی پرداخته و با تبیینی خردپذیر از معارف دینی در برابر شبهات دفاع می‌کند.^۴ در این تعریف استخراج و استنباط عقاید دینی از منابع اصیل دینی و «تنظیم» و تبویب آن‌ها از ویژگی‌های کلام دانسته شده است.

تفاوت میان تعریف معاصران با گذشتگان در این است که در تعریف گذشتگان متکلم تنها شأن مدافع را دارد اما در تعریف معاصران باید عقاید را به‌گونه‌ای تبیین و توجیه کند که اساساً شبهه‌ای را ایجاد نکند.

با توجه به آنچه گفته شد، تعریف برگزیده چنین خواهد بود:

«کلام دانشی است که در آن گزاره‌های دینی استنباط و تنظیم می‌گردند و به شکل روشمند و نظاممند تبیین و اثبات می‌شوند و در برابر ادیان و مکاتب دیگر، موجه و خردپذیر می‌گردند و در برابر شبهه افکنان و معاندان از آن‌ها دفاع می‌شود.»

۱. مرتضی مطهری، کلیات علوم اسلامی، علم کلام، ص ۱۵۹.

۲. مرتضی مطهری، کلیات علوم اسلامی، علم کلام، ص ۱۵۵.

۳. مصطفی ملکیان، راهی به راهی، ص ۳۳۹.

۴. محمد سعیدی مهر، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، ص ۱۵؛ عبدالحسین خسروپناه، کلام جدید، ص ۶؛ سید مرتضی حسینی شاهرودی، تعریف و خاستگاه دین، ص ۱۷ و ۲۳.

رسالت علم کلام و متکلمان

با توجه به تعاریف مشهور می‌توان گفت که هویت کلام و رسالت اصلی متکلم توجیه عقلانی دین یا عقلانی کردن گزاره‌های دینی است. تعبیری از قبیل: «اثبات»، «دفاع عقلی»، «ابطال باطل»، «اقامه حجت و برهان»، و... بیان‌گر این حقیقت هستند. اما با توجه به اینکه در روزگار ما به دانش‌ها و روش‌های نوینی توجه شده است، برای متکلم نیز شئونی معین شده که تعریف کلام در زبان معاصران گویای آن است. با توجه به تعریف جامع و برگزیده از علم کلام می‌توان رسالت متکلم و شئون او را چنین برشمرد:

۱. استنباط و استخراج عقاید و گزاره‌های دینی از متون و منابع اصیل دینی.
۲. ترکیب، تنظیم و تبویب عقاید دینی.
۳. تبیین و توضیح گزاره‌ها به گونه‌ای که فهم آن برای علاقه‌مندان آسان و دلپذیر باشد.
۴. اثبات و استدلال متناسب با سطح دانایی مخاطب به وسیله دلایل مختلف عقلی، نقلی، برهانی، جدلی، علمی و عملی.
۵. موجه‌سازی و خردپذیر کردن گزاره‌های دینی.
۶. دفاع، و پاسخگویی به سؤالات و شبهات کلامی.
۷. به‌کارگیری مهارت‌ها و روش‌های مختلف علمی برای عملی کردن مراحل یاد شده.
۸. نظام‌سازی از مجموعه باورهای دینی، مانند کار استاد مطهری در مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی

الف) گستره مطالعات کلامی در عرصه دانش افزایی

عرصه دانش افزایی چند سرفصل مطالعاتی را شامل می‌شود:

۱. فلسفه علم کلام

فلسفه علم کلام از فلسفه‌های مضاف به شمار می‌رود. فلسفه یک علم در واقع پژوهشی عقلانی و فراتر به آن دانش و مسئله‌های آن است. به تعبیر دیگر فلسفه یک علم، نگره‌ای فیلسوفانه به آن علم است. بنابراین فلسفه علم کلام، نگرشی غیر جانبدارانه، فراکلامی و فرانقلی به علم کلام است.

به بیانی دیگر فلسفه کلام به مبانی نظری و تحلیلی علم کلام پرداخته و مبادی

- تصوری، تصدیقی و روش شناختی آن را تنقیح می‌کند.^۱
- مجموعه مسائلی که این دانش به آن می‌پردازد عبارتند از:
۱. نام‌گذاری و وجه تسمیه کلام.
 ۲. موضوع علم کلام.
 ۳. غایت و هدف کلام.
 ۴. رسالت کلام و متکلمان.
 ۵. روش‌های علم کلام (برهانی، جدلی و...)
 ۶. رابطه علم کلام با سایر علوم اسلامی.
 ۷. گستره و قلمرو علم کلام.
 ۸. عوامل و زمینه‌های پیدایش کلام (جامعه‌شناسی کلام)
 ۹. ادوار و اطوار کلام (تاریخ کلام).
 ۱۰. رویکردهای کلامی متکلمان و ویژگی هر یک (نص‌گرایی، عقل‌گرایی و خردگرایی فلسفی). علی‌رغم اهمیت این موضوع، آثار موجود درباره فلسفه علم کلام اندک است.

۲. کلام اثباتی

- این حوزه از مطالعات کلامی مباحث مربوط به الحاد و مادی‌گرایی و نقد آن‌ها را شامل می‌شود. بخشی از مناظرات و احتجاجات معصومین علیهم‌السلام مربوط به این بخش است. مانند گفتگوی کلامی ابن ابی العوجاء با امام صادق علیه السلام.
- مباحث اصلی این بخش از این قرار است:
- اثبات ضرورت دین
 - اثبات خدا و پیامدهای انکار خدا
 - اثبات معاد
 - اثبات برتری دین اسلام بر سایر ادیان و بیان امتیازات اسلام بر دیگر مکاتب و ادیان.

۳. کلام تطبیقی (کلام بین‌الادیان)

- کلام تطبیقی به مطالعه مقایسه‌ای آموزه‌های ادیان و مکاتب می‌پردازد؛ از قبیل مطالعه کلام اسلامی، کلام مسیحیت، یهودیت، زرتشت و اعتقادات صابئین. بزرگانی

۱. گروه نویسندگان، فلسفه‌های مضاف، مقاله «فلسفه علم کلام» ج ۱، ص ۲۵۲.

چون علامه محمد جواد بلاغی و علامه شعرانی را می‌توان از پیشروان این عرصه دانست.

لازم به یادآوری است که تاریخ ادیان، موضوعی متفاوت با کلام تطبیقی است و خود رشته‌ای مستقل به شمار می‌رود که علاوه بر ادیان ابراهیمی و توحیدی شامل ادیان غیر آسمانی (هندو، بودا، کنفوسیوس، شینتو) و ادیان ابتدایی و باستانی نیز می‌شود. کلام تطبیقی خود به دو بخش قابل تقسیم است:

الف. کلام تطبیقی عام؛ مانند آنچه در **دین‌شناسی تطبیقی** نوشته کدانات تیوای و **المیزان فی مقارنۀ الادیان** نوشته محمد عزت طهطاوی انجام شده است.
ب. کلام تطبیقی خاص مانند آنچه در کتاب‌های **دیدگاه‌ها درباره خدا** نوشته آون، **آفرینش در ادیان** نوشته مهشید میرفخرایی، **تحلیل وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت** نوشته محمد باقر سعیدی روشن و **نگرش تطبیقی زن در آینه قرآن و زرتشت، یهود و مسیحیت** نوشته الهه و کیلی انجام گرفته است.

۴. کلام مقارن (کلام بین المذاهب)

کلام مقارن، بررسی و مطالعه مقایسه‌ای عقاید مذاهب و فرقه‌های یک دین است. در این دانش موضوعی از موضوعات کلامی یک دین (مانند خداشناسی) انتخاب می‌شود، آنگاه دیدگاه‌های مختلف مذاهب متعدد آن دین درباره موضوع به مقارنه، مقابله و مقایسه گذاشته می‌شود.

در این شیوه علمی، چند گام باید برداشته شود:

۱. مطالعه و فهم دیدگاه‌های کلامی مذاهب مختلف.
 ۲. مقارنه، مقابله و مقایسه دیدگاه‌ها با یکدیگر.
 ۳. استخراج وجوه مشترک و افتراق مذاهب کلامی.
 ۴. بررسی اشتراک‌ها و تفاوت‌ها و شیوه شناخت پدیده‌ها از نظر هر مذهب.
- در این‌باره آثار زیادی وجود ندارد و با توجه به فراوانی فرقه‌ها و مذاهب اسلامی شایسته کارهای بیشتری است

۵. کلام قدیم

این عنوان شناخته‌شده‌ترین عرصه دانش کلام است و شامل مسائلی است که از آغاز پیدایش مباحث کلامی تاکنون در چارچوب اصول دین و عقاید مذهبی در قالب

کلام مطرح بوده‌اند.

مطرح‌ترین مسئله کلام قدیم، مباحث مربوط به خداشناسی مانند ادله اثبات وجود خداوند می‌باشد.

۶. کلام جدید

کلام جدید، نخستین عرصه دین‌پژوهی پس از کلام قدیم است. این تعبیر را نخستین بار استاد مطهری در سال ۱۳۵۴ به انگیزه پاسخ به شبهات دیوید هیوم درباره برهان نظم به کار برد: «با توجه به وظیفه‌ای که کلام بر عهده دارد (اثبات و دفاع از اصول دین) و نیز با توجه به شبهات انبوه و جدیدی که طرح شده و از مختصات پیشرفت‌های علمی بشر است و از آنجا که شبهات قدیم در عصر ما بلا موضوع است، از این رو لازم است کلام جدیدی تأسیس شود»^۱.

استاد مطهری در این عبارت دلیل تأسیس کلام جدید را دو چیز عنوان می‌کند: دفاع از شبهات نو و ناکارآمدی کلام قدیم.

به باور بسیاری از محققان، کلام جدید ادامه همان کلام سنتی است. به عبارت دیگر در پی تجدد دنیای معاصر و نیز رویکرد نوینی که به هستی و انسان شده است، مسائل جدید کلامی مطرح شده است. بنابراین «جدید» وصفی برای مسائل کلام است نه خود کلام.^۲

البته باید توجه داشت که کلام جدید با فلسفه دین متفاوت است و تفاوت اصلی آن‌ها همان تفاوت فیلسوف و متکلم است.

مباحث کلام جدید را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

بخش نخست مسائلی را دربردارد که در کلام قدیم مطرح بوده ولی اکنون به شکل و شیوه‌ای دیگر مطرح می‌شود مانند:

الف) خداشناسی

۱. فلسفه آفرینش، خدا و تکامل انواع و ...

۲. براهین اثبات خدا (برهان وجودی، اخلاقی، نظم، امکان و وجوب و نقدهای وارد بر آن‌ها).

۱. وظایف اصلی و فعلی حوزه‌های علمیه، ص ۴۹.

۲. محمد صفر جبرئیلی، فلسفه دین و کلام جدید، مقاله «تحلیل مفهوم تجدد در کلام جدید»، دکتر احد قراملکی، ص ۲۲۵.

۳. مسئله شرور .
۴. اختیار و اراده انسان و رابطه آن با علم خدا.
- ب) نبوت، چیستی، ضرورت دین و نیاز بشر به دین
۵. معجزه و ناسازگاری آن با قوانین طبیعی و قواعد عقلی، و بحث دلالت معجزه.
۶. تکلیف.
۷. پیامبری با اصلاح‌گری.
۸. خاتمیت و چالش‌های فکری معاصر .
۹. وحی و علوم روز.
۱۰. شبهات درباره پیامبر اسلام و قرآن
- ج) امامت و ولایت
۱۱. عصمت امام (قلمرو عصمت و تعارض آن با خاتمیت)
۱۲. نظریه انتخاب و انتصاب امام
۱۳. فرضیه استحاله مفهوم امامت در طول تاریخ
۱۴. علم امام و تنافی آن با رفتن به سوی مرگ
۱۵. مسئله مهدویت و مسئله جهانی شدن.
۱۶. ولایت فقیه
- د) جهان واپسین
۱۷. معاد و حقیقت انسان
۱۸. تناسخ
۱۹. جاودانگی انسان (خلود نفس)

بخش دوم مسائلی را شامل می‌شوند که در کلام قدیم سابقه ندارند و به دلیل تحولات علمی و اجتماعی و انسانی به وجود آمده‌اند، مانند:

۱. ایمان و عقلائییت
۲. عقل و دین
۳. علم و دین
۴. حق و تکلیف
۵. عرفی شدن دین
۶. قرائت‌های مختلف از دین

۷. انتظار بشر از دین

۸. کارکردهای دین

۹. تجربه دینی

آثار و تألیفات بسیاری در زمینه کلام جدید به نگارش درآمده است که می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. آثاری که به فلسفه کلام جدید پرداخته است، مانند **فندسه معرفتی کلام جدید**، نوشته دکتر احمد فرامرز قراملکی و **کلام جدید در گذر اندیشه‌ها** به کوشش علی اوجبی.

۲. آثار مربوط به مباحث کلام جدید که عمده آثار متفکران معاصر اسلامی را شامل می‌شود، مانند آثار کلامی استاد مطهری، برخی آثار استاد جوادی آملی، برخی آثار استاد جعفر سبحانی، برخی آثار استاد علی ربانی گلپایگانی، برخی آثار استاد عبدالحسین خسروپناه و برخی آثار دکتر عبدالکریم سروش و برخی از آثار استاد مصباح یزدی و آثار دیگر.

۷ و ۸. فلسفه احکام و فلسفه اخلاق

دو قلمرو دیگر گستره مطالعات کلامی حوزه اخلاق و احکام دین را دربر می‌گیرد. اخلاق و احکام با عقاید و کلام متفاوت هستند اما گاهی در این دو علم مسائلی پیش می‌آید که پاسخ به آنها بر عهده عالم اخلاق و فقیه نیست مانند آنچه مربوط به فلسفه احکام و فلسفه اخلاق می‌شود. پرسش از علت احکام و چرایی اخلاقیات در حوزه مطالعاتی کلام قرار می‌گیرد.

۹. انسان‌شناسی دینی

یکی دیگر از حوزه‌های مطالعات کلامی انسان‌شناسی دینی و دفاع از شرافت و کرامت انسان است. مهم‌ترین مباحث قدیم و جدید این حوزه عبارتند از:

- ماهیت انسان، اصالت وجود در انسان.

- اختیار و اراده داشتن انسان.

- گذشته انسان.

- نفس‌شناسی و روح‌شناسی

۱۰. تاریخ علم کلام

کلام تاریخی کهن دارد. تاریخ کلام با کلام مقارن و فرق و مذاهب در قلمرو و روش متفاوت است. در کلام مقارن درباره اعتقادات مذاهب بحث می‌شود در حالی که تاریخ کلام به سرگذشت آنها می‌پردازد.

در تاریخ کلام، آغاز و پیدایش علم کلام، علل پیدایش آن، فراز و فرودهای دانش کلام در بسستر تاریخ، و تحولات نوپدید مورد بحث قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه سرفصل‌های سیر تطور کلام شیعه از این قرار است:

۱. طلوع کلام تا غیبت کبری (قرن‌های ۱ تا ۳)
 ۲. رویارویی عقل گرایی و نص‌گرایی (قرن‌های ۴ تا ۷)
 ۳. فلسفی شدن کلام شیعه (قرن‌های ۱۱ تا ۷)
 ۴. دوران رکود کلام (قرن ۱۱ تا قرن اخیر)
 ۵. دوره گسترش روز افزون کلام شیعه^۱
- کتاب تاریخ علم کلام تألیف شبلی نعمانی، تاریخ علم کلام نوشته غلامعلی عباس فردوئی و نیز کتاب فرایند تکامل مکتب دکتر مدرسی و همچنین تاریخ علم الکلام، نوشته فضل‌الله زنجانی در این حوزه قرار می‌گیرند.

۱۱. مآخذشناسی کلام

مقصود از مآخذشناسی علم کلام بررسی منابع متنی (کتب، مقالات و در سالهای اخیر سایت‌های کلامی) و آشنایی با شخصیت‌های کلامی است. تفصیل این مطالب از این قرار است:

الف. منابع متنی اصیل: که در اسلام شامل قرآن، سنت و عقل است.

ب. منابع متنی دست‌اول: مجموعه‌ای از کتاب‌ها، رساله‌ها، مقالات و یادداشت‌های ناتمام متکلمان.

ج. منابع متنی معاصر

مجموعه‌هایی از قبیل:

۱. اصطلاح‌نامه‌های کلامی مانند شرح المصطلحات الکلامیه، و اصطلاح‌نامه کلام اسلامی، و نیز مجموعه کشف الآیات الکلامی، و معجم العناوین الکلامیه.
۲. دانشنامه‌ها مانند دانشنامه کلام اسلامی با اشراف استاد سبحانی و دانشنامه امام

۱. محمدرضا کاشفی، کلام شیعه، ص ۱۴۷ و ۱۶۹.

علی علیه السلام جلدهای ۴-۱.

۳. دائرةالمعارفها مانند دائرةالمعارف تشیع، دائرةالمعارف اسلام، دائرةالمعارف اسلامی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، دائرةالمعارف جهان اسلام، و دائرةالمعارف الاسلامیه.

۴. نمایهها، مدخلها.

۵. تفاسیر کلامی.

۶. تفاسیر موضوعی کلامی، مانند منشور جاوید، تفسیر موضوعی آیت... جوادی آملی.

۷. شرح حدیث و احادیث اعتقادی، (نهجالبلاغه، اصول کافی، ...)

ج) منابع انسانی: مقصود از این عنوان این است که می‌توان مصاحبه و مباحثه با متکلمان زنده را به عنوان منبع کلامی غنیمت شمرد و با دیدگاه‌های کلامی متکلمان در گذشته را مورد بررسی قرار داد.

دو مجموعه معجم طبقات المتکلمین و نیز معجم التراث الکلامی با اشراف استاد سبحانی در این راستا به نگارش درآمده است.

ب) طرح‌واره‌ای برای روش شناسی علم کلام

مسئله روش در فعالیتهای علمی از اهمیت زیادی برخوردار است به گونه‌ای که روش‌شناسی به رشته‌ای علمی تبدیل شده است.

روش، مجموعه‌ای از شیوه‌ها و تدابیر است که برای کاستن از لغزش علمی در شناخت حقیقت، به کار برده می‌شود.^۱

با مطالعه و دقت می‌توان دریافت که روش از دانش جدا نیست، بلکه لازمه آن است و اساساً هیچ دانشی بدون روش قابل تصور نیست. ارزش هر دانش به اتقان روشی است که مورد استفاده قرار می‌دهد. در علوم اسلامی دانش‌هایی مانند منطق و اصول هویتی روش‌شناختی دارند که یکی به روش استدلال پرداخته است و دیگری به روش استنباط مربوط می‌شود.

علم کلام اسلامی با مجموعه‌ای از باورهای فطری و عقلانی می‌بایست به صورت روش‌مند عرضه شود. در این علم استخراج اعتقادات از متون اصیل دینی و تنظیم، تبیین و عرضه آن‌ها می‌بایست بر اساس ضوابط روش‌شناختی صورت گیرد. یکی از

۱. غلامرضا خاکی، روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی، ص ۱۹۴.

عرصه‌های روش‌شناختی در کلام، شیوه پاسخگویی است. برای مثال به پرسش‌های کلامی برخاسته از احساسات می‌بایست پاسخی عاطفی داد. ماجرای کندی و امام حسن عسکری علیه السلام که در منتهی الامال شیخ عباس قمی نقل شده نمونه خوبی برای این مسئله است.

فهرست زیر، عرصه‌های شناسایی و اعمال روش در مطالعات کلامی را نشان می‌دهد:

۱. روش استخراج معارف کلامی

متکلم باید منابع و شیوه‌های استنباط و استخراج معارف اعتقادی را بداند و به قواعد آن آگاهی داشته باشد. به عبارت دیگر همان‌گونه که در استنباط احکام فقهی از اصول فقه استفاده می‌کنیم در این زمینه هم باید اصولی را تعریف کنیم.

در این مجال به برخی از روش‌های استنباط اعتقادات کلامی اشاره می‌کنیم:

۱. متکلم برای پاسخ به مسائل جدید باید مستقیماً به منابع معتبر دینی یعنی کتاب، سنت و عقل مراجعه کند. پس از این است که می‌تواند به دیگر منابع مانند سیره عقلاً مراجعه کند.

۲. برای شناخت روش‌مند باید تمام متون دینی را مرور کرده باشد. به عبارت دیگر قرآن، نهج‌البلاغه، مفاتیح، صحیفه سجادیه، و کتب اربعه را مطالعه کند و با توجه به آن‌ها اظهار نظر کند. به عنوان نمونه: نمی‌توان بر اساس یک روایت یا آیه تفکر در ذات خدا یا اندیشیدن درباره قضا و قدر را درست با نادرست بدانیم.

۳. مسئله یا اشکال از نظر موضوع‌شناسی کاملاً روشن باشد، زیرا مفاهیم گاهی چند پهلو و دارای معانی مختلف‌اند.

۴. توجه به واژه‌های مترادف و هم‌خانواده.

۲. روش تنظیم و تبویب گزاره‌های دینی

پس از معین شدن موضوع مورد مطالعه در منابع دینی، می‌بایست به تنظیم و تبویب مسائل آن پرداخت.

تنظیم در دو مرحله انجام می‌گیرد:

۱. انتخاب مسئله فرعی در قرآن: مانند روش نقد خرافه در قرآن و نفی و اثبات شفاعت از نظر قرآن.

۲. تنظیم مجموعه آیات و روایات و حکایات استخراج شده از منابع اصیل دین؛ برای

مثال مسئله دیدگاه شیعه درباره شفاعت را می‌توان به این صورت دسته بندی کرد:

۱،۱. آیات و روایات نافی شفاعت، مانند بقره/۴۸، ۱۲۳ و انعام/۵.

۱،۲. آیاتی که شفاعت را فقط از آن خدا می‌دانند، مانند زمر/۴۴.

۱،۳. آیات و روایات اثبات کننده شفاعت، مانند بقره/۲۵۵ و یونس/۱۰۹.

۱،۴. استخراج آیات و احادیث؛ استخراج آیات صریح درباره موضوع، استخراج آیات ضمنی در این باره و استخراج آیاتی که لوازم آن موضوع به حساب می‌آیند.

۱،۵. تنظیم پس از تبیین، توصیف و استدلال؛ این مرحله در واقع تنظیم نظریه پس از تبیین و توصیف و استدلال بر آن است و پاسخ به پرسش‌هایی از این قبیل است: شفاعت جزو اصول دین است یا فروع دین؟ انکار آن باعث کفر و الحاد می‌شود؟ رابطه این مسئله با سایر مسائل مرتبط و در شکل کلان جایگاه آن در ساختار کلام چیست و کجاست؟

۳. روش توصیف و تبیین معارف کلامی

الف. توصیف و بیان: منظور از توصیف گزارش باور و اعتقاد بدست آمده از مطالعه منابع دینی پس از تنظیم اولیه آن‌ها است و پاسخ به این پرسش است که آیا این باور از ضروریات دینی است و باید بدان معتقد بود؟

ب. تبیین و استدلال: مراد از تبیین، بیان علت و مراد از استدلال ارائه دلیل بر مدعاست.^۱ این مرحله فرضیه را مدلل و مستدل ساخته و به شکل علمی و منطقی اثبات می‌کند. نکته این است که توصیف و تبیین معارف کلامی چگونه باید صورت گیرد تا اثر بخش شود؟ چه بسیار باورهایی که به حق و منطقی است اما به دلیل تبیین و استدلال ضعیف و غیر روش‌مند، سست و بی‌پایه جلوه می‌کند. مراحل تبیین بک گزاره کلامی را می‌توان چنین ترسیم کرد:

۱. تحلیل واژه‌ها

- ۱،۱. استخراج واژه‌ها
- ۱،۲. معناشناسی واژه‌ها و مفاهیم کلیدی با شگرد تفسیری و تحلیلی، به صورت آیه به آیه و با مراجعه به قرآن کریم.
- ۱،۳. جایگزین کردن معنای مورد نظر از واژه به جای خود واژه.
- ۱،۴. کشف معنای دقیق آیه.

۱. فرامرز قراملکی، احد، روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۱۸۶.

۱.۵. جمع بندی

۲. تبیین براساس معضلات نظری

متکلم متعهد به دینی خاص است به همین دلیل باید با توجه به دو مسئله موضوع را انتخاب و تحلیل کند: (۱) معضلات نظری متناسب با نیاز جامعه دینی. (۲) معضلات نظری که به حوزه دین ارتباط دارند. مراحل این نوع تبیین عبارت است از:

(۱) مشخص شدن موضوعات فرعی.

(۲) تحلیل گزاره‌ها مانند دیدگاه فروید درباره منشأ.

۳. تبیین گزاره‌های دینی با هدف حل معضلات عملی؛ مانند رفتارهای خلاف

هنجار کودکان و نوجوانان و گرایش به فرقه‌ها و مکاتب فکری انحرافی، بیماری‌ها و مشکلات روانی و اخلاقی و مانند آن.

ج) مهارت‌شناسی مطالعات کلامی

متکلم علاوه بر دانش و بینش کلامی، باید دارای مهارت‌هایی نیز باشد. مهارت با دانش تفاوت دارد و عرصه‌ای دیگر از مطالعات کلامی را در بر می‌گیرد. یک دین‌شناس تکلیف‌مدار برای دفاع از دین باید با این مهارت‌ها آشنا باشد.

به بیانی دیگر، رسالت متکلم علاوه بر دانستن‌ها، «توانستن‌ها» نیز هست و علاوه بر معرفت کلامی باید مهارت کلامی نیز بیاندوزد. به بیانی دیگر کلام هم علم دارد و هم فن مانند فن مناظره، فن نقد و فنون دیگر.

متکلم اگر از دانش کلام و اطلاعات کلامی آگاه باشد، ولی در عرصه عملی و فنی کلام توانمند نباشد همچون فردی است که کتاب آموزش رانندگی را حفظ است اما در عمل نمی‌تواند رانندگی کند.

۱. مهارت نقد کلامی

نقد در لغت به معنای جدا کردن سره از ناسره، آشکار کردن معایب و محاسن و تمیز دادن خوب از بد آمده است.^۱

روشن است که نقد با انتقاد متفاوت است. در انتقاد فقط به جنبه‌های منفی و نادرست سخن توجه می‌شود ولی در نقد، خوب و بد با یکدیگر لحاظ می‌گردند. بنابراین ناقد کارش عیب‌گیری نیست بلکه نقد، سنجشی بی‌طرفانه براساس ملاک‌های منطقی است.

۱. فرهنگ فارسی معین، نقد.

ناگفته پیداست که نقد دیدگاه‌ها و نظریه‌ها تأثیر زیادی در رشد و تولید علم دارد. خاصیت اساسی نقد این است که سخنان بیهوده را از رواج می‌اندازد و به جای آن اندیشه متقن و آثار حقیقتاً پژوهشی رونق می‌گیرد. هیچ آفتی به اندازه نقدگریزی و نقدستیزی، فرهنگ جامعه را تهدید نمی‌کند.^۱

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که آراء و نظریات کلامی بیش از هر دانشی نیازمند نقد و غربال‌گری است زیرا کلام عرصه تفکر و اندیشه است و این عرصه باید مورد نقد قرار گیرد تا مبدا فکری انحرافی مبدأ عمل و چاشنی رفتار قرار گیرد. بر این اساس نقد یک ایده و نظریه فکری که به گونه‌ای باورهای دینی را به چالش می‌کشد، در حوزه رسالت متکلم قرار می‌گیرد، چه این ایده فکری در عرصه هنر باشد یا در عرصه فیلم و سینما باشد و یا در حوزه ادبیات و شعر و... .

متکلم برای نقد شبهات دینی می‌بایست به تمام این حوزه‌ها توجه داشته باشد تا به نقدی علمی و فنی دست یابد.

بنابراین متکلم باید در عرصه‌های مختلف مهارت نقد را به دست آورد و برای دفاع از دین باید عرصه‌های جدیدی را بر میدان‌های مطالعاتی خویش بیافزاید، مانند: عرصه ادبیات، عرصه فیلم‌سازی، عرصه هنر و... . برای مثال اگر باوری در قالب طنز یا سینما تخطئه می‌شود باید از همین مسیر به نقد آن پرداخت که این جز با آشنا شدن با زبان هنر و ادبیات و فیلم فراهم نخواهد شد.^۲

اصول و فنون نقد یک ایده کلامی

اکنون مهارت نقد یک دیدگاه به یک رشته مستقل تبدیل شده و تاکنون کتاب‌های زیادی در این باره نوشته شده است. این مهارت مستقل موسوم به تفکر نقدی است. روش تفکر نقدی دارای چند سرفصل است:^۳

۱. پرسش؛ پرسش دارای ملاک‌ها و معیارهایی است که باید رعایت شوند.

۱. احد قراملکی، اصول و فنون پژوهش، ص ۱۱۲.

۲. ماجرای نوشتن‌های با عنوان «دواج تعاونی» نمونه خوبی از نبود مهارت نقد است. نویسنده این مطلب در این باره می‌گوید: «من اینک تبرئه شدم ولی تا زمانی که افکاری بسته و شخصیت‌هایی تنگ اندیش در این کشور هستند بنده اقدام به انتشار نیستان (مجله پرطرفدار کشور) نمی‌کنم و به نشانه اعتراض آن را تعطیل می‌نمایم» شجاعی، سید مهدی، غیر قابل چاپ، ص ۲۳. آثاری مانند روش نقد مکتب در پنج جلد، ذهنیت و زاویه دید، به قلم علی صفایی حائری در همین راستا به نگارش آمده است.

۳. با استفاده از جزوه درس استاد فعالی در دفتر تبلیغات خراسان.

۲. روش‌های تقویت یک اندیشه؛ با این روش‌ها یک تفکر و ایده را می‌توان برجسته نمود.

۳. شیوه‌های نقد یک اندیشه؛ این مرحله در کنار شیوه پیشین، نقد یک دیدگاه را کامل می‌کند. یعنی با این دو دسته روش (نقد یک اندیشه و تقویت اندیشه دیگر) بین افکار و اندیشه‌ها و مکاتب توازن و تعادل ایجاد می‌شود. بر این اساس، فنون نقد نظریه‌های کلامی به شرح زیر است:

۱. **تقدم فهم بر نقد.** دین‌شناس ناقد برای نقد یک نظریه یا ایده کلامی باید در ابتدا آن را به خوبی فهم کند و سپس به نقد آن بپردازد. گذری بر نقد برخی دیدگاه‌های فکری، فلسفی و کلامی حکایت از این واقعه تلخ دارد که بسیاری از ناقدان، نظریه و مدعای طرف مقابل را نفهمیده‌اند. تجربه نشان داده است که نقد عجولانه و به دور از فهم درست نظریه، مایه رواج و قوت نظریه تلقی شده است.

۲. **تقریر و تبیین قوی نظریه خصم.** متکلم ناقد باید نظریه مقابل را به خوبی تقریر و تشبیت کند و سپس به نقد آن بپردازد. نباید نظریه و اندیشه‌ای را به شکل سطحی و سست نقل کنیم و آنگاه این گونه تقریر را نقد کنیم. برای مثال استاد مطهری در باب حقیقت معجزه سخن طبیعت‌گرایانه استاد محمدتقی شریعتی را به طور کامل تبیین می‌کند و سپس آن را نقد می‌کند.^۱

۳. **بیان نقاط مثبت و منفی در کنار هم.**

۴. **نقد ارکان نظریه کلامی.** اصل دیگر در نقد یک دیدگاه کلامی آن است که خود نظریه نقد شود نه صاحب نظریه. در نقد باید فکر را از صاحب فکر تفکیک کرد و به تعبیر زیبای امیر بیان: انظر الی ما قال و لا الی من قال. ارکان نظریه عبارتند است از:^۲ نظریه، مبانی و ادله آن و وازم و پیامدهای آن.

۵. **آشنایی با زبان نقد قالب مورد نظر.**

۶. **پرهیز از خصم‌انگاری طرف مقابل؛** در این صورت سخن طرف مقابل پذیرفته نمی‌شود و باعث می‌شود تا او از خود مقاومت نشان دهد. در چنین حالتی با تأکید بر افتراق‌ها هم‌دلی کم‌تر می‌شود و سرانجام به ایستایی علم خواهد انجامید.

۷. **نشان دادن تناقضات و ناسازگاری‌های آن نظریه با اصول قطعی عقلی و دینی.**

۱. مرتضی مطهری، نبوت، ص ۱۰۸.

۲. احد قراملکی، اصول و فنون پژوهش، ص ۱۱۷.

۲. مهارت دفع شبهات

نخست باید به گونه‌شناسی شبهات پرداخت، شبهات مبنایی پاسخ‌های مبنایی طلب می‌کنند. برخی از این مهارت‌ها عبارت‌اند:

۱. شبهات را باید به صورت مستند پاسخ داد، ارجاعات در پاسخگویی باید کامل و صحیح باشند.
۲. باید نقد فکر کرد نه صاحب فکر.
۳. پاسخ‌ها باید به‌روز باشد یعنی براساس آخرین اطلاعات روز باشد.
۴. باید پاسخ‌ها مناسب با عصر و زمان و ادبیات مخاطب باشد (پاسخ دادن به سؤالات امروز با پاسخ‌های دیروزی برابر با مرگ دین «مطهری»).
۵. باید نسبت به شبهه‌ها فعال بود نه انفعال. پاسخگویی فعال به شبهات دو گونه است:

- ۱،۱. هنوز زمزمه‌های شبهه هست، پاسخگویی شود.
- ۱،۲. چنان تیز باشد که از الان حدس بزند شبهات آینده را به آینده‌پژوهی. سرمایه یک متفکر، فکر است، فکر یک متفکر هر چقدر برد داشته باشد او گرچه بمیرد، زنده است اگر شبهات سه نسل آینده را پاسخ دهد و نیاز را ببیند و پاسخ دهد، او زنده است گرچه مرحوم شده است. رفع شبهات تا دفع شبهات.
۶. نقد باشد نه انتقاد.
۷. ایجاد شبهه‌ها برای خصم در قبای فکری، انداختن توپ به میدان حریف، شبهه‌سازی برای مسیحیت، یهود عرفان‌ها بهترین دفاع به حمله است.
۸. سطح‌بندی شبهه‌ها. نکته اول گونه‌شناسی الان سطح‌بندی شبهات.

نتیجه‌گیری

شرایط به وجود آمده از تحولات اجتماعی، فرهنگی، علمی و دینی در دنیای معاصر به ویژه در غرب باعث تغییر در رویکرد، روش و رهیافت، و نگرش در مطالعات دینی شده است. این تغییر و تحولات در حوزه کلام و الهیات قلمروهای نوینی را گشوده است که باعث می‌شود متکلم در عرصه کلام، به تغییر تاکتیک و تکنیک و رویکرد در تبیین و عرضه معارف کلامی بپردازد. قلمروهای ایجاد شده کلام پژوهی که مسئولیت جدیدی را فراروی متکلم گذارده است، از این قرارند: کلام قدیم و جدید، کلام تطبیقی و مقارن، کلام سیاسی، کلام فلسفی و معرفتی، کلام اجتماعی، کلام تاریخی.

منابع و مأخذ

۱. اوجیبی، علی، کلام جدید در گذر اندیشه‌ها (کلام جدید، مبانی و آموزه‌ها)، نشر اساطیر، تهران، ۱۳۸۷.
۲. ایجی، عبدالرحمن، شرح المواقف، ج ۱، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۳. تفتازانی، سعد الدین (مسعود بن عمر بن عبدالله)، شرح المقاصد، عالم الکتب، بیروت.
۴. حسینی شاهرودی، سید مرتضی، تعریف و خاستگاه دین، آفتاب دانش، مشهد، ۱۳۸۳.
۵. جبرئیلی، محمد صفر، فلسفه دین و کلام جدید، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
۶. خاتمی، محمود، پدیدارشناسی دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.
۷. خسروپناه، عبدالحسین، کلام جدید، مرکز مطالعات و پژوهش‌های حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱.
۸. خسروپناه، عبدالحسین، فلسفه‌های مضاف، نشر فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.
۹. خنیفر، حسین، نگاهی دوباره به روش‌ها و فنون تدریس، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷.
۱۰. ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی بر کلام جدید، مرکز نشر هاجر، قم، ۱۳۸۷.
۱۱. ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۱.
۱۲. ربانی گلپایگانی، کلام تطبیقی، مرکز جهانی، قم، ۱۳۸۵.
۱۳. ربانی گلپایگانی، الکلام المقارن، دفتر نمایندگی رهبری در امور اهل سنت سندج، قم، ۱۴۲۱.
۱۴. رشاد، علی اکبر، دین‌پژوهی معاصر، فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
۱۵. رجبی، حسین، عقاید تطبیقی، دفتر نمایندگی رهبری در امور اهل سنت سندج، ۱۳۸۰.
۱۶. نعمت محمد، عبدالقادر، الآراء الکلامیه لأئمة المذاهب الفقهیه، نشر حلبی حقوقی، بیروت، ۲۰۰۲م.
۱۷. صادقی، هادی، درآمدی بر کلام جدید، کتاب طه و نشر معارف، قم، ۱۳۸۲.
۱۸. علامه حلبی، کشف المراد، انتشارات شکوری، قم، زمستان ۱۳۷۲.
۱۹. فضایی بوسف، جامعه‌شناسی ادیان، آهنگ قلم، تهران، ۱۳۸۲.
۲۰. فضلی، عبدالهادی، خلاصه علم الکلام، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، قم، ۱۳۸۶.
۲۱. فعالی، محمدتقی، جزوه درس استاد در دفتر تبلیغات خراسان.
۲۲. قراملکی، احد، روش شناسی مطالعات دینی، دانشگاه رضوی، مشهد، ۱۳۸۶.
۲۳. قراملکی، احد، هندسه معرفتی کلام جدید، اندیشه معاصر، تهران، ۷۸.
۲۴. کاشفی، محمد رضا، کلام شیعه، ماهیت، مختصات و منابع، پژوهشگاه فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
۲۵. مصباح بزدی، محمد تقی، معارف قرآن (خدانشناسی ... ج ۱-۳)، مؤسسه امام خمینی، قم، ۱۳۸۰.
۲۶. ملکیان مصطفی، راهی به رهایی، نگاه معاصر، تهران ۱۳۸۲.
۲۷. مؤلفان، جستارهایی در کلام جدید، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱.
۲۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، نشر صدرا، بی تا.
۲۹. مطهری، مرتضی، کلیات علوم اسلامی، نشر صدرا، سال ۱۳۸۵.
۳۰. موریس، برایان، مطالعات مردم‌شناختی دین، ترجمه شرف‌الدین و فولادی، زلال کوثر، قم، ۱۳۸۳.
۳۱. میرچالباد، دین‌پژوهی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ۱۳۷۵.